

حقوق حیوانات در فقه اسلامی

در قوانین حقوقی که پیش از اسلام در جوامع و ملل رایج بوده است، حقوقی برای حیوانات دیده نمی‌شود و اگر هم مقرراتی پیش از اسلام و پس از اسلام در دیگر اقوام و ملل تا قرن اخیر دیده شود، انگیزه‌ای جز احترام به احساسات خود انسان‌ها نداشته است. به عبارت روشن‌تر: این موضوع از جنبه عاطفی محض انسان‌ها نشأت گرفته، عامل تضمین و تأمین الزامی ندارد و در حقیقت، نوعی مقررات احساساتی و غیر الزامی را درباره حیوانات مراعات نموده‌اند!

در اروپای قرن اخیر (قرن بیستم)، حرکاتی درباره حمایت از حیوانات مشاهده می‌شود که همان‌گونه که اشاره شد، مستند به عاطفه محض است و از انگیزه اصیل حقوقی برخوردار نمی‌باشد. در دین اسلام، جان هر جاندار مادامی که عامل ضرر بر انسان‌ها نباشد، محترم بوده، تا آن‌جا که این احترام منشأ وضع قوانین حقوقی درباره حیوانات شده است. از این‌رو، فقها در بیان علت وضع مواد حقوقی الزامی درباره حیوان، ارزش و احترام خود حیات را که جاندار واجد آن است، به میان می‌آورند. با در نظر گرفتن این مواد حقوقی برای مطلق پدیده حیات و جان، روشن می‌شود که جان و حیات آدمی چه ارزشی دارد و این ارزش و احترام جز با نگرش به این پدیده از مقام والاتر، معنایی نمی‌تواند داشته باشد. یعنی: ارزش و احترام پدیده شگفت‌انگیز حیات تنها برای کسی می‌تواند مطرح شود که عنایت خاص الهی را در این پدیده بپذیرد. پذیرنده عنایت خاص الهی درباره حیات نیز وجدان و فطرت پاک آدمی است که خود را در لذت و الم با دیگر جانداران مشترک می‌داند. انسانی که از شکنجه بدون دلیل یک جاندار و یک انسان احساس درد و ناگواری نمی‌کند، قطعاً وجدان و فطرت اصیل خود را از دست داده است.

اینک، زمینه فقه اسلامی را درباره این قوانین به اختصار مطرح می‌کنیم:

۱- هر جاندار که در اختیار کسی قرار بگیرد، او باید وسایل زندگی آن جاندار را تأمین نماید. کلمه جاندار (حی) شامل همه انواع حیوانات است، مگر حیواناتی که آزار و ضرری به انسان وارد کنند، مانند عقرب و افعی و مار که بالذات مودی می‌باشند و مانند سگ‌ها و دیگر حیوانات بیمار که بیماری آن‌ها علاج ناپذیر و موجب ضرر است. بنابراین، احکام حقوقی مقرر شامل هر حیوانی است، خواه گوشتش

خوردنی باشد، یا نه، بلکه خواه به نحوی از انحاء مختلف قابل بهره‌برداری باشد، یا نه.^۱
۲- قرار گرفتن جاندار در اختیار کسی که سبب احکام حقوقی است، شامل ملک و امانت و عاریه و دیگر اختیارات می‌باشد.

۳- مقصود از وسایل زندگی، اعم از خوراک، پوشاک، آشامیدنی، مسکن، دارو و غیر آن است.
۴- اگر حیوان بتواند در مراتع و دیگر جایگاه‌های قابل تعلیف، زندگی خود را تأمین نماید، مالک حیوان می‌تواند آن را برای چریدن و آشامیدن رها کند. نیز اگر حیوان نتواند از آن جایگاه‌ها غذای خود را تأمین نماید، واجب است مالک وسایل معیشت حیوان را آماده کند. هم‌چنین، اگر حیوان نتواند به اندازه کافی غذای خود را تهیه کند، واجب است مالک بقیه تغذیه او را به اندازه کفایت تأمین نماید.
۵- اگر صاحب حیوان از انجام وظایف مذکور خودداری کرد، حاکم شرع نخست او را ارشاد نموده، سپس به اداره زندگی حیوان مجبور و مکلفش می‌سازد.

۶- اگر صاحب حیوان از اطاعت حاکم تمرد نماید، حاکم باید راه‌های دیگری انتخاب کند که حیوان را از فشار زندگی نجات بدهد، مانند فروش حیوان و یا ذبح آن، اگر گوشت آن خوردنی (حلال) باشد. و یا رها کردن حیوان، تا دیگران معیشت آن را به عهده بگیرند.
تبصره: اگر رها کردن حیوان سبب تراحم تصرف‌کنندگان باشد، حاکم می‌تواند حیوان را به یک بار یا به تدریج بفروشد و قیمت آن را به صاحب مال پرداخت کند.

۷- اگر زندگی حیوان با یکی از راه‌های مزبور تأمین نشود، حاکم به جای صاحب مال، اقدام به تأمین زندگی حیوان می‌نماید و به هر نحوی که وضع حیوان مقتضی آن است و امکانات موجود برای رهایی آن اجازه می‌دهد، عمل می‌کند.

۸- در صورت امتناع صاحب حیوان، حاکم می‌تواند از سایر اموال صاحب حیوان فروخته، معیشت حیوان را تأمین نماید. هم‌چنین، اگر تأمین زندگی حیوان با اجاره دادن آن امکان‌پذیر باشد، حاکم می‌تواند آن را اجاره بدهد.

تبصره: صاحب جواهر می‌گوید: به مجرد این‌که صاحب حیوان از اداره زندگی حیوان امتناع بورزد و راهی برای رهایی جاندار انتخاب نکند، حاکم مجبور نیست صاحب حیوان را به اداره زندگی حیوان اجبار نماید، بلکه حاکم به جهت ولایتی که دارد، خود به تأمین حیات جاندار اقدام می‌کند.
۹- اگر مواد معیشت حیوان نزد صاحب حیوان وجود نداشته باشد و شخص دیگری آن مواد را داشته باشد، واجب است صاحب حیوان آن مواد را از او خریداری کند.

۱۰- اگر کسی که ماده معیشت حیوان نزد اوست، از فروش آن ماده امتناع بورزد، جایز است صاحب حیوان به هنگام ضرورت، آن را با ضمانت مثل همان ماده یا قیمت آن، غصب نماید، چنانکه غصب ماده

۱- جواهرالکلام، ج ۳۱ / ۳۹۴، چاپ تهران، عبارت صاحب جواهر چنین است:

بل و این لم ینتفع به... «بلکه اگرچه حیوان قابل بهره‌برداری نباشد...»

ضروری معیشت برای انسان جایز است.^۱

بصره: ۱: غصب ماده ضروری معیشت برای ابقای حیوان، هنگامی جایز است که خود صاحب آن ماده و یا حیوانی که در اختیار اوست، احتیاج حیاتی و ضروری به آن ماده نداشته باشد.

بصره ۲: مواد ضروری معیشت، شامل دارو و دیگر وسایل ادامه حیات نیز می شود.

۱۱- اگر جاندار بچه شیرخوار داشته باشد، باید به اندازه کفایت تغذیه بچه، شیر در پستان مادر نگهداری شود. بنابراین، اگر شیر حیوان مادر تنها به اندازه نیاز تغذیه بچه اش باشد، دوشیدن شیر مادر حرام است. بعضی از فقهای اهل سنت گفته اند: آنچه واجب است، نگهداری شیر به اندازه رمق بچه است، یعنی فقط زنده ماندن بچه حیوان کافی است.^۲

۱۲- اگر دوشیدن شیر برای حیوان ضرر داشته باشد، مانند این که حیوان نتواند از تغذیه کافی اشباع شود، آن دوشیدن حرام است.

۱۳- در صورتی که دوشیدن حیوان ضرری به خود او یا بچه او نداشته باشد، دوشیدن شیر واجب است، زیرا در صورت ندوشیدن شیر، مال مفید اسراف شده و به هدر می رود.

۱۴- شیر را نباید تا آخر دوشید، زیرا حیوان اذیت می شود.

۱۵- سزاوار است کسی که شیر را می دوشد، ناخن های انگشتانش را بگیرد، تا حیوان اذیت نشود.

۱۶- در مورد زنبور عسل، باید مقداری از عسل در کندوی عسل بماند تا زنبوران گرسنه نمانند.

۱۷- هرگونه آزار رساندن به حیوان ممنوع است، مانند گذاشتن بار سنگین بر پشتش، نیز اجبار حیوان به حرکت سریع که موجب اذیت حیوان باشد، و هم چنین زدن حیوان بیش از اندازه احتیاج.

۱۸- دشنام و لعنت به حیوان و زدن به صورت آن ممنوع است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خدا لعنت کننده کسی است که حیوان را لعنت می کند.^۳

۱۹- زدن حیوان در زمان رم کردن به اندازه احتیاج جایز می باشد، ولی زدن حیوان هنگام لغزیدن ممنوع است.

۲۰- شکار حیوانات برای تفریح و در صورت عدم نیاز و اضطرار، حرام است.^۴ به همین جهت، سفر کسی که برای تفریح به شکار می رود، سفر معصیت محسوب می شود و او باید نمازش را تمام بخواند.

۲۱- وادار کردن حیوانات به جنگ با یکدیگر مکروه است.

۲۲- شکار جوجه پرندگان در آشیانه، تا زمانی که به پرواز درنیامده، حرام است، زیرا جوجه در آشیانه، در پناه خداست.^۵

۲۳- در مواردی که وسیله حیات به یکی از چند حیوان کفایت کند، به گونه ای که یکی از آنها با آن وسیله می تواند نجات پیدا کند و بقیه هلاک خواهند شد، مانند این که مقداری آب داریم که تنها می تواند

۱- این فتوا از شهید دوم در کتاب مسالک است.

۲- صاحب جواهر می گوید: ضعف این فتوا روشن است.

۳- مواد ۱۷ و ۱۸ و ۱۹، از کتاب وسائل الشیعه، ج ۸ / ۳۵۰ و ۳۵۳ و ۳۵۶، چاپ تهران.

۴- همان / ۳۶۱. همان، ج ۱۶ / ۲۴۱.

یکی از حیوانات را نجات بدهد. در این مورد می‌توان به دو صورت عمل نمود:
الف - حیواناتی که از همه جهات حیاتی مساوی باشند. در این صورت، مکلف در به کار بردن وسیله حیات برای ادامه زندگی هر یک از این حیوانات، صاحب اختیار است.

ب - حیواناتی که از همه جهات مساوی نباشند، مانند سگ غیر مضر و گوسفند. بدان جهت که پایان دادن به حیات گوسفند با ذبح شرعی، امری است قانونی، ولی مردن سگ از تشنگی خلاف قانون است، بنابراین آب به سگ داده می‌شود تا بدون علت هلاک نشود.^۱

با نظر به ملاک مذکور، اگر جاننداری مانند شتر بتواند تا دو روز از تشنگی هلاک نشود، ولی جاندار دیگر تا آن مدت نتواند دوام بیاورد، مسلم است که باید آب را به جاندار دوم داد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به متصدیان دریافت مالیات جانداران، دستوراتی فرموده است که اولاً با نظر به احترام حیات و ثانیاً با توجه به دو صیغه «امر» و «نهی»، می‌توان آن‌ها را از مواد حقوق حیوان به حساب آورد.^۲

البته همان‌گونه که در خود دستور مشاهده می‌شود، آن حضرت دستورات زیر را در رفتار با حیوانی صادر فرموده است که تحت تسلط مأمور قرار گرفته، آن‌ها را به بیت‌المال مسلمین تحویل خواهد داد. با این حال، همان‌گونه که متذکر شدیم، این دستورات تنها به ملاک جاندار بودن حیوان است که شامل همه حالات حیوانات می‌شود که انسان سلطه‌ای بر آن‌ها دارد.

۲۴- کسی را برای تحویل گرفتن و آوردن حیوان وکیل کن که خشونت نداشته باشد و بر حیوان اجحاف و تعدی ننموده، آن‌ها را درمانده و خسته نکند.

۲۵- میان شتر و بچه‌اش جدایی نیندازد.^۳ و شیر حیوان را کاملاً ندوشد که به بچه حیوان ضرری وارد کند.^۴

۲۶- آن اندازه پشت حیوان سوار نشود که حیوان به مشقت بیفتد، بلکه برای سوار شدن به همه آن حیوانات، باید با عدالت بهره‌برداری کند. ملاک این ماده شامل بار نیز می‌شود، یعنی: نباید به اندازه‌ای بار سنگین بر پشت حیوان حمل کند که حیوان به زحمت بیفتد، بلکه باید بار را با دیگر حیوانات تعدیل نماید.

۲۷- اگر حیوانی خسته و درمانده باشد، باید برای آن حیوان آسایش فراهم کند.

۲۸- با حیوانی که سُم آن شکافته شده، یا در حرکت و راه رفتن، خود را می‌کشد، ملایمت کند.

۲۹- در مسیر راه، حیوانات را به جایگاه‌های آبگیر (چشمه‌سارها) وارد کند.

۳۰- حیوانات را از زمین‌های گیاه‌دار (مراعات) به طرف جاده‌های معمولی که خشک می‌باشند، نکشاند.

۱- این ماده را شهید دوم در مسالک آورده است. ۲- نهج البلاغه، نامه شماره ۲۵.

۳- تردیدی نیست در این‌که مثال شتر و بچه‌اش به عنوان مصداق است و با نظر به علت حکم، شامل همه مادران و بچه‌های حیوانات می‌باشد.

۴- این ماده در شماره ۱۲ نیز ذکر شده، در این جا برای این‌که همه دستورات علی (علیه السلام) ثبت شود، مورد اشاره قرار گرفت.

۳۱- در هر چند ساعت مناسب، آن‌ها را برای استراحت رها کند.

۳۲- حیوانات را در جایگاه‌هایی که آب در آن‌ها جمع می‌شود و هم‌چنین در جایگاه‌های گیاه‌دار، رها کند.

نکته بسیار با اهمیتی که در ذیل دستورات امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حیوان آمده، این است که حضرت می‌فرماید:

فَإِنَّ ذَلِكَ أَعْظَمُ لِأَجْرِكَ، وَأَقْرَبُ لِرُشْدِكَ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ.^۱

این گونه عمل به تکلیف درباره حقوق اموال مردم، پاداش تو را بزرگ‌تر سازد و به رشد تقوایی تو (رشد و کمال تو) نزدیک‌تر می‌باشد، انشاءالله.

از این نکته به خوبی ثابت می‌شود: احترام ذات حیوان بدان جهت است که دارای حیات است، نه بدان جهت که یک ماده اقتصادی مفید به شمار می‌رود، بلکه دلیل و عامل رشد و کمال انسانی است. با توجه به این مواد و دستورات، می‌توان ارزش و احترام ذات انسان را که از نظر عظمت قابل مقایسه با دیگر جانداران نیست، درک کرد.

هم‌چنین، این حقیقت اثبات می‌شود: هر فرد و جامعه‌ای که به ذات حیات انسانی ارزش و احترامی قائل نباشد، آن فرد و جامعه هر ادعایی درباره رشد و کمال بنماید، جز دروغ و خودفریبی و به مسخره گرفتن دیگران، چیز دیگری در بر ندارد!

مطلب دیگری که از توجه دقیق به مواد و دستورات مذکور روشن می‌شود، لزوم تجدید نظر درباره ادعای کسانی است که می‌گویند: «ما در کتاب‌های تاریخی، به خواندن تاریخ انسان‌ها مشغولیم!!» در صورتی که هر چه می‌نگریم، چشمگیرترین و بیش‌ترین سطور این تواریخ، حاوی این کلمات و جملات است: زدند و کشتند، سوزاندند و غارت کردند، مسلط شدند، محو و نابود ساختند و رفتند...!

چه، اینان اگر حداقل برای یک بار هم که شده، بخواهند یک نام‌گذاری صحیح درباره معانی مطالعات و یافته‌هایشان انجام بدهند، باید بگویند: «ما در کتاب‌های تاریخی، به جز سطرهایی چند در هر کتاب، مشغول خواندن تاریخ طبیعی موجوداتی هستیم که انسان نامیده شده‌اند.»

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد المرسلين محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين

محمدتقی جعفری - ۱۸ / دی ماه / ۱۳۶۱ خورشیدی